

بررسی ویژگی‌های «منا» بودن سلمان فارسی بر اساس تحلیل روایات «لیس منا»

سید مرتضی حسینی امین (مربی موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی ساعی گرگان)

yasingolestan@gmail.com

سید محسن موسوی (استادیار دانشگاه مازندران)

sm.musavi55@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۶)

چکیده

سلمان فارسی از جمله اصحاب پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که روایات فراوانی از سوی اهل بیت در تأیید شخصیت و اخلاق ایشان وارد شده است. سرآمد روایات مدح سلمان، روایتی است که با تعبیر «منا اهل البیت» او را در شمار اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قرار می‌دهد. سلمان دارای چه ویژگی‌هایی بوده تادرزمره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قرار گیرد؟ برای باز یابی ویژگی کسانی که مصداق روایات «منا» می‌باشند، علاوه بر روایات ثبوتی صفات، می‌توان از دسته‌ای دیگر از روایات بهره جست که ویژگی‌های افرادی را معرفی می‌کنند که از جمله‌ی اهل بیت نیستند. این دسته از احادیث با عنوان «لیس منا» شناخته می‌شود. در این نوشته که به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی به سامان رسیده است، درصدد تبیین ویژگی‌های اعتقادی و اخلاقی هر مسلمان مانند سلمان، بر اساس خانواده حدیثی روایات «لیس منا» می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی است که مسلمان «منا اهل البیت» مزین به صفات دانش، تقوا، التزام به ولایت و... بوده و از خیانت، بداخلاقی، نامهربانی، مکر و خدعه و... به دور است که می‌تواند الگویی شایسته برای هر مسلمان باشد.

کلیدواژه‌ها: سلمان فارسی، منا اهل البیت، لیس منا، روایات.



طرح مسئله

از روایات مشهور نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در فضل و منقبت یکی از اصحاب گران قدر، یعنی «سلمان فارسی» مطرح فرمودند، روایت «سلمان مَنَّا اهل البیت» است. درباره‌ی ویژگی‌های شخصیتی ممتازی که سلمان فارسی با پرورش آن‌ها در خود، به مقام «مَنَّا اهل البیت» نائل آمد، کمتر تأمل شده است. سلمان فارسی همچون دیگر صحابی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاقد مقام عصمت است، ولی ملاحظه می‌شود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایشان را از اهل بیت خود دانسته‌اند. شناسایی فضایل اخلاقی که سلمان فارسی با پرورش آن‌ها در خود، توانست به مقام «مَنَّا اهل البیت» برسد و رذایل اخلاقی که با دوری از آن‌ها به این درجه رسید، می‌تواند کمک شایانی در جهت قرابت و نزدیکی به مقام این صحابه بزرگ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماید. سجایای سلمان فارسی در برخی کتب (به عنوان نمونه: عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۷۳ ش) مترجم محمدحسینی، سلمان فارسی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفترانتشارات اسلامی) و مقالات (به عنوان نمونه: بصیری، حمیدرضا، شفیع، سیدروح‌الله (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی حدیث «سلمان منا اهل البیت»، فصلنامه حدیث-پژوهی، ۷) مورد بررسی قرار گرفته‌اند لیکن در این پژوهش سعی می‌شود به روایاتی پرداخته شود که معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام ضمن بیان برخی خصوصیات منفی اخلاقی، افرادی را که دارای این ویژگی‌ها باشند، با لفظ «لیس مَنَّا» خطاب نموده و آن‌ها را جزو «اهل البیت» نمی‌دانند. با این روش می‌توان با برشمردن صفات سلبی افرادی که شامل «مَنَّا اهل البیت» هستند، به اصل ذات ویژگی‌های ایشان پی برد. با عنایت به توضیحات بیان شده این پرسش‌ها مطرح می‌شود:

- ویژگی‌های که انسان را در حوزه ولایت اهل بیت و «مَنَّا بودن» وارد می‌کنند، کدام‌اند؟
- ویژگی‌های منفی که انسان را از حوزه ولایت اهل بیت و «مَنَّا بودن» خارج می‌کنند، کدام‌اند؟

۱. تجلی روایت «سلمان مَنَّا اهل البیت» در روایات فریقین

این روایت در منبع اهل سنت، در طبقات ابن سعد و طی دو حدیث، با سند واحد و اندکی اختلاف در مضمون آمده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطَّ الْخَنْدَقَ مِنْ أَجْمِ الشَّيْخِينَ طَرَفَ بَنِي حَارِثَةَ عَامَ ذِكْرِتِ الْأَحْزَابِ خَطَّةً مِنَ الْمَذَادِ فَقَطَعَ لِكُلِّ عَشْرَةِ أَرْبَعِينَ ذِرَاعاً فَاحْتَجَّ الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ فِي سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَكَانَ رَجُلًا قَوِيًّا فَقَالَ الْمُهَاجِرُونَ سَلْمَانَ مَنَّا وَقَالَتِ

الأَنْصَارُ لَا بَلَّ مَنَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَلْمَانَ مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (ابن سعد، بی‌تا: ج ۴، ص ۸۲ و ج ۷، ص ۳۱۸)

اما در منابع حدیثی شیعه، در منابع مختلف از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عبارت «سَلْمَانُ مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» نقل گردیده است. (ر ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق: ج ۲، ص ۶۴؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ج ۲، ص ۸۱۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق: ج ۱، ص ۸۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ص ۲۶۰؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ ق: ص ۲۰۱) به عنوان نمونه در روایتی، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مجلسی از همگان به غیر از اهل بیت خواستند که مجلس را ترک کنند، هنگامی که سلمان فارسی درخواست که برود، حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به ایشان فرمودند: ای سلمان، بنشین که تو از اهل بیت ما هستی. (سلیم‌بن-قیس، ۱۴۰۵ ق: ج ۲، ص ۹۶۵)

حدیث «سلمان مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» را شیخ صدوق در «امالی»، از حضرت علی عَلِيٌّ به این مضمون نقل کرده است:

«ادرك علم الأول و الآخر و هو بحرٌ لا ينزح و هو مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۰ ق: ص ۲۵۲) دانش سلمان، در این حدیث مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. از امام سجاد عَلِيٌّ نیز این حدیث، در اصول کافی با این مضمون نقل گردیده است: «إِنَّمَا صَارَ سَلْمَانَ مِنَ الْعُلَمَاءِ لِأَنَّهُ مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلِذَلِكَ نَسَبْتَهُ إِلَى الْعُلَمَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ص ۴۰۱) تأکید ویژه این حدیث نیز دانش والای سلمان است. اما کیفیت و چگونگی این دانش بر ما پوشیده است.

در رجال کشی، زیر نام سلمان فارسی به شماره ۲۵ روایتی از امام صادق عَلِيٌّ به این مضمون آمده است:

«ادرك العلم الأول و العلم الآخر و هو بحرٌ لا ينضح و هو مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ...» (کشی، ۱۳۴۸: ص ۱۲) در حدیث شماره ۲۶ نیز روایتی از امام صادق عَلِيٌّ به این مضمون آمده است: «لَا تَقُولُوا سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَ لَكِنْ قُولُوا سَلْمَانَ الْمَحْمَدِيَّ ذَلِكَ رَجُلٌ مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (همان، ص ۱۲) در روایتی دیگر از حضرت عَلِيٌّ درباره سلمان فارسی پرسیده شد که فرمودند: (او) از ما اهل بیت است. (صفار، ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ص ۱۷) و امام عَلِيٌّ، سلمان را از لقمان بهتر دانستند (همان، ص ۱، ج ۱۸). در این روایات نیز، امام صادق عَلِيٌّ سلمان را از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و در زمره «أَهْلُ الْبَيْتِ» دانسته است.

در روایات متعددی که از معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نسبت به این موضوع وارد شده و همگی سلمان فارسی را از «اهل البیت» دانسته‌اند دلایل گوناگونی قید گردیده است، به عنوان نمونه در سطور بالا به یکی از آنها اشاره گردیده است. یکی دیگر از اسباب صدور روایت در حدیثی از پیامبر اینگونه است که انصار و مهاجرین به برشمردن افرادشان اقدام نموده تا به سلمان رسیدند و هرکدام مدعی بودند که سلمان از آن‌ها می‌باشد تا این که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند که سلمان از ما اهل البیت است. (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۱۱)

به نظر می‌رسد اولین بار، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باره‌ی سلمان فارسی این عبارت را به کار برده‌اند و این عبارت توسط دیگر معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز، بعدها چه به صورت مستقیم یا به نقل از جد بزرگوارشان (پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) در مورد جایگاه سلمان فارسی مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان نمونه؛ امیرالمومنین علی عَلِيٌّ و امام سجاد عَلِيٌّ این عبارت را در روایاتی و امام صادق عَلِيٌّ به دفعات عبارت «منا اهل البیت» را در شان سلمان فارسی به کار برده‌اند.

همچنین که مشاهده شد (به علت تخلص پژوهش، از ذکر همه روایات و منابع خودداری شده است) در بسیاری روایات از معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ «سلمان فارسی» در زمره‌ی «اهل بیت» شمرده شده و گستره‌ی این گونه روایات به حدی است که می‌توان این دسته روایات را «متواتر معنوی» دانسته و در نسبت روایت به معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با اطمینان سخن گفت.

۲. واژه اهل بیت در قرآن

ترکیب اهل بیت سه بار در قرآن کریم آمده است:

«وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ

نَاصِحُونَ» (قصص/ ۱۲)

«قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»

(هود/ ۷۳)

«وَقَزْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ

اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/ ۳۳)

مقصود از اهل بیت در دو آیه نخست روشن است. آیه نخست به طفولیت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در کاخ فرعون و عدم قبول دایگی زنان مصری اشاره دارد که از زبان خواهر او بیان شده است. «اهل بیت» که به صورت نکره آمده به وسیله جمله وصفی «يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ» کسب تعریف کرده است و با توجه به قرائن و سیاق آیات، مقصود اهل بیت در این آیه خانواده موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ است. مراد از اهل بیت در آیه دوم خانواده و خاندان حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ است. اما درباره بیت در آیه سوم میان مفسران شیعه و اهل سنت، اختلاف نظر است. شیعه آن را منحصر در علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، فاطمه سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهَا، حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ می‌داند. اما اهل سنت به یک رأی نبوده و درباره آن چند احتمال داده‌اند: آن‌ها درباره معنا و مصداق اهل بیت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ذیل آیه تطهیر دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. (ابن عطیه، بی‌تا: ج ۱۲، ص ۶۲؛ ماوردی، بی‌تا: ج ۴، ص ۴۰۱)

۳. مفهوم‌شناسی «اهل البیت»

«اهل البیت» از ترکیب اضافی دو واژه «اهل» و «بیت» پدید آمده است. اهل مرد، همسر، عشیره و نزدیک‌ترین کسان او هستند و اهل بیت افرادی هستند که هم‌مسکن باشند. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ص ۸۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱۱، ص ۲۸ و ۲۹) این معنا در اهل البیت گسترش پیدا کرده و به طور مجازی به پیروان و هم‌دینان نیز اطلاق می‌گردد. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۳۱۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ص ۹۶) در نظر گرفتن نقش نحوی «اهل البیت» در حدیث مورد نظر (اسم مخصوص) ما را به این اطمینان می‌رساند که برای درک معنی درست آن، پاره‌ی اخیر معنی واژه «اهل» («أَخَصَّ النَّاسَ بِهِ») را بپذیریم و آن را به کار گیریم. بدین ترتیب، پیوند خوبی میان معنی واژگان و جایگاه نحوی این واژه برقرار می‌گردد. (بصیری، شفیع، ۱۳۹۱: ص ۱۷۳) واژه «بیت» نیز هم به معنای خانگی مردم و هم پاره‌ای از شعر به کار می‌رود. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ص ۱۳۸ و ۱۳۹) در معنای خانه باید توجه داشت که در بین اعراب، بیت مرد، خانه‌اش بوده با ذکر این نکته که خانه‌های عرب، مایه شرافت ایشان می‌گردید. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۱۵ و ۱۴) راغب در این باره می‌افزاید: «بیت در اصل، جایی است که انسان شبان‌گاه در آن پناه می‌گیرد، و از جای هر چیز تعبیر به بیت آن می‌شود.» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ص ۶۴ و ۶۵) اما درباره واژه «اهل البیت» که یک ترکیب اضافی است، باید گفت اهل

بیت (خانه)، ساکنان آن خانه هستند و به صورت مجازی به نزدیکان فکری و دینی نیز اطلاق می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ص ۸۹؛ ابن منظور ۱۴۱۴ق: ج ۱۱، ص ۲۹؛ طریحی ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۳۴)

۴. رویکردها به روایت «سلمان مئا اهل البیت»

در مواجهه با روایات «سلمان مئا اهل البیت» به طور کلی دو دسته نظر در بررسی نسبت «اهل-البیت» به «سلمان فارسی» وجود دارد. دسته‌ی اول، رویکردی مجازی نسبت به این روایت دارند به این معنا که نسبت «اهل البیت» به سلمان را از روی مبالغه دانسته (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۵، ص ۲۸) یا معتقدند که پیامبر ﷺ در این روایت یادآوری نموده که نسبت دادن برده‌ی یک قوم به آن قوم، درست است چون سلمان فارسی برده‌ی آزاد شده‌ی پیامبر اکرم ﷺ بوده است (راغب، ۱۴۰۴ق: ص ۶۴)

دسته‌ی دوم با رویکردی واقعی و اثباتی به این روایت نگریسته‌اند. در این رویکرد، عده‌ای این تعبیر را نشان آن می‌دانند که پیامبر ﷺ می‌خواستند بگوید سلمان بردین ماست. به عنوان نمونه، شیخ طوسی در تفسیر آیه ۴۶ سوره هود، معتقد است که منظور پیامبر ﷺ این بوده که «سلمان پیرو دین ماست». (طوسی، بی‌تا: ج ۵، ص ۴۹۴) طبرسی نیت دقیقاً همین مطلب را تکرار نموده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵، ص ۲۵۳) برخی درگر در زمینه اثباتی، منظور حدیث را در رفتار و کردار سلمان به عنوان نمونه‌ی یک مومن کامل دانسته به گونه‌ای که هر کس که بتواند این گونه باشد در زمره‌ی این حدیث قرار می‌گیرد. (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۴، ص ۳۳) یا مانند فیض کاشانی که پارا فراتر گذاشته و معتقد است هر کس خود را تنها برای خدا، پیامبر ﷺ و اهل بیتش ﷺ خالص گرداند از برخی اسرار آنان، چنان آگاه می‌گردد که استواری در دانش و بینش برایش فراهم می‌آید آن چنان که اهل بیت ﷺ، وی را یکی از خودشان به شمار می‌آورند همانند سلمان فارسی که بعید نیست به جرگه‌ی راسخون در علم و دانشگان تأویل آیات قرآن کریم درآمده باشد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۳۷)

فارغ از مواجهه مجازی یا حقیقی با این حدیث، یک نکته به طور کامل هویدا است و آن این-که: سلمان فارسی دارای صفات و ویژگی‌هایی بوده که مقام وی را تا حدی بالا برده که معصومین ﷺ در باره‌ی او چنین جمله‌ای «سلمان مئا اهل البیت» بگویند. کشف این ویژگی‌ها

می‌تواند هر چه بیشتر در فهم روایت به ما کمک برساند و از آن بالاتر، کسب این ویژگی‌ها توسط هر مسلمانی، وی را در زمره‌ی مؤمنین واقعی و حتی شاید در دایره‌ی «اهل‌البیت» قرار دهد. برای فهم کامل روایت مورد پژوهش می‌توان به دو دسته‌ی کلی روایات مراجعه نمود، از یک سو روایاتی که به صورت اثباتی، با ذکر ویژگی‌هایی که باعث قرار گرفتن سلمان در زمره «مناهل-البیت» به موضوع پرداخته‌اند و از سمت دیگر، روایاتی به صورت نفی‌ای به بیان ویژگی‌هایی پرداخته‌اند که باعث خروج از زمره‌ی «مناهل‌البیت» می‌گردد. این دو دسته‌ی اثباتی و نفی‌ای روایات می‌تواند چهره‌ی واقعی این صحابه‌ی بزرگ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بر ما آشکار سازد آن‌چنان که بفهمیم شان وی چه بوده که چنین روایتی درباره‌ی او از معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام صادر گردیده‌است. با بررسی این روایات به تشکیل خانواده حدیثی می‌رسیم که نشان دهنده‌ی ملاک‌هایی است که مسلمان با کسب آن‌ها می‌تواند همانند سلمان فارسی در زمره «اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام» قرار گیرد.

۵. ورود به زمره «منا اهل‌البیت» در روایات

در روایات با ذکر مولفه‌های کیفیت انصاف سلمان به صفت منا اهل‌البیت تبیین گردیده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

یک) محرم راز پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در روایتی، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مجلسی از همگان به غیر از اهل‌بیت خواستند که مجلس را ترک کنند، هنگامی که سلمان فارسی برخاست که برود، حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ایشان فرمودند: ای سلمان، بنشین که تراز اهل‌بیت ما هستی. (سلیم‌بن قیس، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۹۶۵) با توجه به اینکه غالباً دستور ترک مجلس هنگامی صادر می‌گردد که بزرگی بخواهد با نزدیکانش تنها باشد و اسراری را به ایشان در میان گذارد پس می‌توان به اعتماد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سلمان و در نتیجه به و لایت‌پذیری وی پی برد.

دو) دانش

حدیث «سلمان منا اهل‌البیت» را شیخ صدوق در «امالی»، از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام به این مضمون نقل کرده است: «ادرك علم الأول و الآخر و هو بحرٌ لا ينزح و هو منا اهل‌البیت» (ابن بابویه، ۱۴۰۰ق: ص ۲۵۲) همین مضمون در رجال کشی، زیر نام سلمان فارسی به شماره ۲۵ روایتی از

امام صادق علیه السلام نیز آمده است. (کشی، ۱۳۴۸: ص ۱۲) دانش سلمان، در این احادیث مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. جایگاه این دانش به حدی است که وی را در زمره اهل بیت قرار داده است. اما باید عنایت داشت با توجه به اجمال حدیث، کیفیت این دانش بر ما پوشیده است. طبق مضمون حدیث شریف از امام صادق علیه السلام، علم اولین و آخرین برای سلمان در نظر گرفته شده است و ایشان را در زمره اهل بیت وارد ساخته است. این روایت نیز مانند روایات پیشین، در توضیح کیفیت این علم، راه اجمال را پیموده است. (مفید، ۱۴۱۳ق؛ ص ۳۴۱)

سه) علم لدنی

در روایتی از امام سجاد علیه السلام، در اصول کافی نقل گردیده است: «إِنَّمَا صَارَ سَلْمَانَ مِنَ الْعُلَمَاءِ لِأَنَّهُ مَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلِذَلِكَ نَسَبْتَهُ إِلَى الْعُلَمَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۴۰۱) در این روایت، امام علیه السلام به علم سلمان از نگاهی دیگر (سرمنشاء علم) اشاره نموده است. این علم که در سلمان قرار گرفته، از جانب خدای تعالی ویژه‌ی معصومین علیهم السلام بوده و قرار گرفتن سلمان در زمره اهل بیت علیهم السلام باعث رسیدن وی به این جایگاه ویژه شده است.

چهار) تقوا

در کافی در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جمله‌ای در پاسخ به شکایت سلمان از برخی صحابه در برتری جویی نسبت به وی، خطاب به سلمان آمده است: «لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ عَلَيْكَ فَضْلٌ إِلَّا بِتَقْوَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَإِنْ كَانَ التَّقْوَى لَكَ عَلَيهِمْ، فَأَنْتَ أَفْضَلُ» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ص ۴۳۱) در این فراز از روایت به درجه‌ی تقوای سلمان اشاره شده که باعث برتری وی نسبت به دیگران می‌گردد. هرچند در این روایت، عبارت «مَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» وجود ندارد اما آشکارا به فضایل سلمان اشاره‌ی مستقیم می‌نماید.

۶. خروج از زمره «مَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» در روایات

برای فهم آن که سلمان فارسی حائز چه ویژگی‌هایی بوده که توسط معصومین علیهم السلام مورد تکریم ویژه قرار گرفته، تا آن جا که از زمره ی اهل بیت علیهم السلام معرفی شده است، می‌توان به روایاتی مراجعه نمود که در آن‌ها، معصومین علیهم السلام برخی افراد را با برخی ویژگی‌ها از خود ندانسته‌اند. با پی بردن به این ویژگی‌ها می‌توان دریافت که سلمان فارسی به دور از چه

خصلت‌هایی بوده که در زمره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته است. این ویژگی‌های منفی اخلاقی به شرح زیر است:

یک) سوء خلق

کلینی در اصول کافی از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند: «فَقَالَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَخْسِنِ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ وَ مُرَافَقَةَ مَنْ رَافَقَهُ وَ مُمَالَحَةَ مَنْ مَالَحَهُ وَ مُخَالَقَةَ مَنْ خَالَقَهُ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۸۶) در این روایت، امام علیه‌السلام افرادی را که معاشرت، همراهی، هم‌خوراکی و هم‌پیمانی با دیگران را نیکو به جا نیاورند، از اهل بیت نمی‌داند. صفات مذکور به بنیادی‌ترین اصول اخلاقی که در روابط فردی و اجتماعی که باید رعایت شود بر می‌گردد که دین مبین اسلام به رعایت آن‌ها تأکید ویژه نموده است. با عنایت به این روایت، می‌توان گفت: سلمان فارسی از جمله افرادی بود که دیگران از معاشرت و همراهی و هم‌غذایی با او سود می‌بردند و هرگز از وی پیمان‌شکنی ندیده‌اند. این روایت علاوه بر اصول کافی، در کتبی هم‌چون «المحاسن» (برقی، ۱۳۷۱ق: ج ۲، ص ۳۵۷)، «کتاب من لا یحضره الفقیه» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۲۷۴)، «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» (حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۵۷۸)، «عوالی اللئالی العزیزیه» (احسائی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۴، ص: ۳۲) و ... نیز نقل شده است. در برخی روایات نیز، با محتوایی شبیه روایت پیشین، توضیحات بیش‌تری در این زمینه آمده است. به عنوان نمونه در اصول کافی، حدیثی دیگر از امام صادق علیه‌السلام در این زمینه آمده است: «قَالَ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ اَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ وَ مَنْ لَمْ يَخْسِنِ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ وَ مُخَالَقَةَ مَنْ خَالَقَهُ وَ مُرَافَقَةَ مَنْ رَافَقَهُ وَ مُجَاوَزَةَ مَنْ جَاوَزَهُ وَ مُمَالَحَةَ مَنْ مَالَحَهُ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ اتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۶۳۷؛ ج ۴، ص ۶۸۳) در این روایت علاوه بر صفات نام‌برده شده در روایت پیشین، افرادی که را که دارای رذایل اخلاقی هم-چون: عدم تملک نفس هنگام عصبانیت و نداشتن حس همسایگی و انسان‌دوستی می‌باشند، از اهل بیت ندانسته است. این روایت و روایات مشابه نشان می‌دهد که سلمان فارسی هیچ‌گاه در هنگام عصبانیت، کنترل اراده خویش را از دست نداده است و با هر که همسایگی نموده، رضایتش را جلب کرده است؛ چون از مقام حسن همسایگی برخوردار است. این روایت، علاوه بر

اصول کافی، در منابع حدیثی هم‌چون: «الوافی» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۵، ص ۵۳۰) و «هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ص ۱۳۵) نیز نقل گردیده است.

دو) ناشکیبایی

یکی دیگر از سجایای اخلاقی، صبر بر مصائب است که سلمان واجد آن بوده است. چرا که در روایات متعدد آن دسته افراد که در مصائب صبر خود را از دست می‌دهند، از زمره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام خارج شده‌اند. مانند روایاتی که در مستدرک الوسائل و برخی دیگر از منابع حدیثی به این مضمون نقل شده است: «لیس منا من ضرب الخدود و شق الجيوب؛ از ما نیست کسی که (در مصائب) صورتش را بزند و گریانش را چاک کند.» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۴۵۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۳۷۰؛ عاملی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۵۹) مشابه همین مضمون از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل گردیده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ مِنَّا مَنْ سَلَقَ وَلَا خَرَقَ وَلَا حَلَقَ؛ از ما نیست کسی که (در مصائب) بی‌تابی کرده و جامه می‌درد و موی خود می‌کند.» (احسائی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۱۱؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۲۵۶) در نتیجه طبق روایات، فردی که بر سختی‌ها شکیبیا نیست، از زمره «اهل بیت» خارج می‌شود.

سه) بی‌احترامی

احترام به بزرگان، احیای امر به معروف و نهی از منکر، و شناخت فضایل و مناقب اهل بیت عصمت علیهم‌السلام سه اصل مهم در تقویت صفات نیک است. طبق احادیث و روایات، اگر هر یک از این صفات نام‌برده شده فراموش شوند، فرد از حوزه «منا اهل‌البیت» خارج می‌شود. در اصول کافی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَوْقُرْ كَبِيرَنَا وَ يَرْحَمَ صَغِيرَنَا؛ از ما نیست کسی که بزرگان مان را تکریم نمی‌دارد و به کودکانمان رحم نمی‌نماید.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۶۵). تکریم بزرگان و عطف با کودکان (زیر دستان) از نکات اخلاقی است که در اسلام به خصوص در فرمایشات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مورد سفارش بسیار بوده است. لذا یکی از دلایلی که سلمان فارسی جزو «اهل‌البیت» معرفی شده است، تکریم بزرگان و هم‌چنین کودکان نزد ایشان است. در روایتی دیگر از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ویژگی دیگری به این صفات افزوده شده است: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَوْقُرْ كَبِيرَنَا وَ يَرْحَمَ صَغِيرَنَا وَ يَعْرِفَ فَضْلَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ از ما نیست کسی که بزرگان مان را بزرگ نمی‌دارد و به کودکانمان رحم

نمی‌نماید و فضائل ما اهل بیت را نشاناسد.» (کوفی، بی تا: ص ۱۸۳) وقوف به فضل اهل بیت علیهم‌السلام و ثابت قدم بودن در راه ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، در زندگی سلمان نمود بارزی داشته و ایشان از معدود افرادی است که تا پایان عمر از مسیر مستقیم ولایت اهل بیت علیهم‌السلام به بی‌راهه نرفت. به همین علت به مقام رفیع «منا اهل‌البیت» نائل آمد.

چهار) ترک امر به معروف و نهی از منکر

در روایاتی دیگر از معصومین علیهم‌السلام، علاوه بر موارد مذکور، به احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر نیز تأکید شده است. مانند روایتی که ابن‌عباس از نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است: «ابن‌عباس عن النبی ص قال لیس منّا من لم یوقّر کبیرنا و یزحم صغیرنا و یأمر بالمعروف و ینه عن المنکر» (احسائی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۳، ص: ۴۲۲؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ هـ ق، ج ۵، ص: ۱۵۶) در نتیجه، یکی از دلایلی که سلمان فارسی از «اهل‌البیت» معرفی شده، امر معروف بودن و ناهی از منکر بودن ایشان است.

پنج) عدم وقوف به فضل اهل‌البیت علیهم‌السلام

در روایتی دیگر از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بزرگی دیگری به این صفات افزوده شده است: «عن علی بن ابی طالب ع قال قال رسول الله ص لیس منّا من لم یوقّر کبیرنا و یزحم صغیرنا و یعرف فضلنا أهل البیت؛ ازما نیست کسی که بزرگان مان را بزرگ نمی‌دارد و به کودکانمان رحم نمی‌نماید و فضائل ما اهل بیت را نشاناسد.» (کوفی، بی تا: ص ۱۸۳) وقوف به فضل اهل بیت علیهم‌السلام و ثابت قدم بودن در راه ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، در زندگی سلمان نمود بارزی داشته و ایشان از معدود افرادی است که تا پایان عمر از مسیر مستقیم ولایت اهل بیت علیهم‌السلام به بی‌راهه نرفت. به همین علت به مقام رفیع «منا اهل‌البیت» نائل آمد.

شش) مکر و حيله

در احادیث و روایات، به صداقت در گفتار و رفتار و مبرا بودن از مکر و حيله، تأکید ویژه شده است و افراد حيله‌گر، از زمره «اهل‌بیت» خارج شده‌اند. در اصول کافی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است: «لیس منّا من ماکر مسلماً؛ ازما نیست کسی که مسلمانی را مورد مکر و نیرنگ قرار می‌دهد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۳۷) مکر و نیرنگ به هم‌کیشان از صفات نکوهیده‌ای است

که مورد نهی روایات اسلامی واقع گردیده و جناب سلمان از این صفت نکوهیده مبرا می‌باشد. خاطر نشان می‌گردد حدیث مذکور، علاوه بر اصول کافی، در ثواب الأعمال شیخ صدوق نیز نقل گردیده است. (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ص ۲۷۱)

هفت) غفلت از محاسبه‌ی نفس

حساب‌رسی از اعمال، قبل از آن‌که خداوند به حساب‌ها برسد، از ضروریاتی است که روایات بسیاری به این مهم تأکید ویژه دارند. از طرفی دیگر، معصومین علیهم‌السلام افرادی را که از محاسبه نفس غفلت ورزیده‌اند، از خود نمی‌دانند. در اصول کافی و دیگر منابع روایی، حدیثی از امام کاظم علیه‌السلام به این مضمون نقل شده است: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي ص قَالَ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَزَادَ اللَّهُ وَإِنْ عَمِلَ سَيئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ؛ از ما نیست کسی که هر روز (اعمال) خویش را محاسبه نمی‌نماید، که اگر (نتیجه) کارش نیک باشد از خدا طلب فزونی نماید و اگر (نتیجه) کارش گناه باشد از خدا برای آن طلب آمرزش نماید و به سوی او (خدا) توبه نماید.» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۲، ص ۴۵۳؛ ج ۴، ص ۲۶۹؛ حلی، ۱۴۰۶ق: ص ۲۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۴، ص ۳۱۳؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ص ۱۵۳) با توجه به این حدیث، جناب سلمان هرروز اعمال خویش را محاسبه می‌نموده و اگر اعمال نیکی داشته از خداوند فزونی این اعمال را طلب می‌نموده و اگر گناهی مرتکب شده از خداوند طلب غفران کرده است. در نتیجه به سبب پرورش این صفات، از «مناهل البیت» شده است.

هشت) خیانت در امانت

امانت، حوزه گسترده‌ای را شامل می‌شود. وفای به عهد و امانت و عدم خیانت در امانت، در روایات تأکید ویژه‌ای شده است. طبق روایات کسی که امانت را ضایع و تباه می‌کند از «أهل بیت» نیست. در کتاب اصول کافی در حدیثی از امام جعفر صادق علیه‌السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ مِنَّا مَنْ أَخْلَفَ بِالْأَمَانَةِ؛ از ما نیست کسی که در امانت خیانت می‌نماید.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۱۳۳ و ج ۹، ص ۷۱۱) طبق این فرمایش، سلمان فارسی هیچ‌گاه در امانت، خیانت ننموده است. از مصادیق ادای امانت، ادای حق و ولایت امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام است که جناب سلمان تا پایان عمر به آن اذعان داشته و

از آن دفاع نموده است. این روایت را علاوه بر کلینی، صاحب کتاب «الجعفریات» (اشعث کوفی، بی تا، ص ۱۸۳) و «مستدرک الوسائل» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۳) نیز نقل نموده‌اند.

نه) تضييع حقوق اهل بيت عليهم السلام

در کتاب اصول کافی در حدیثی از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده است که فرمودند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّنَا؛ از ما نیست کسی که به ما (اهل بیت) خیانت کند.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۱۶۰) در روایاتی دیگر مضمون کلام به صورت عمومی بیان شده است. به عنوان نمونه در من لا یحضره الفقیه آمده است: «وَقَالَ عليه السلام لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۲۷۳) و در وسائل الشیعة طی روایتی نقل شده است: «وَلَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ مُسْلِمًا؛ از ما نیست کسی که به مسلمانی خیانت نماید.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۲۴۱) از این روایات این مطلب استنباط می‌شود که سلمان فارسی به هیچ مسلمانی به خصوص معصومین عليهم السلام خیانت نوزیده است. این دو روایت از امام صادق عليه السلام، علاوه بر منابع مذکور، در کافی (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۰، ص ۴۴)، تهذیب (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ص ۱۲)، منتهی المطلب (حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۵، ص ۳۰۸ و ج ۱۵، ص ۳۷۸)، عوالی اللئالی (احسائی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۲۴۴ و ج ۳، ص: ۲۰۷) و وسائل الشیعة (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۴۱) نیز نقل گردیده است.

ده) عدم حفظ اعتدال در امور دنیوی و اخروی

در دسته‌ای دیگر از روایات معصومین عليهم السلام گروهی از مسلمانان که برای آخرت دنیایشان را ترک و یا برای دنیا آخرتشان را ترک می‌گویند را از خود ندانسته‌اند. در «کتاب من لا یحضره الفقیه» در این زمینه روایتی با این مضمون آمده است: «وَقَالَ ع لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِأَجْرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛ از ما نیست کسی که دنیایش را برای آخرتش رها کند و یا آخرتش را به خاطر دنیایش رها نماید.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۱۵۶؛ حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۵، ص ۲۷۳) قریب به همین مضمون، طی روایتی طولانی در کتاب دعائم الإسلام مندرج است.^۲ در این روایت، به داستان

۲- وَ عَنْهُ ع أَنَّهُ قَالَ جَاءَ عُثْمَانُ بْنُ مَطْعُونٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ غَلَبَنِي حَدِيثُ النَّفْسِ وَ لَمْ أُحْدِثْ شَيْئًا حَتَّى أَسْتَأْمَرَكَ قَالَ بِمَ حَدَّثْتَنِكَ نَفْسُكَ يَا عُثْمَانُ قَالَ هَمَمْتُ أَنْ أُسِيحَ فِي الْأَرْضِ قَالَ فَلَا تَسِيحْ فِي

یکی از صحابه (عثمان بن مظعون) اشاره شده است که جهت زهد دنیوی، تمام نعمت‌های مادی را بر خود حرام کرده بود. پیامبر اکرم (ص) وی را به شدت از این کار نهی فرمودند و بیان داشتند: «فَقَالَ وَ هَمَمْتُ أَنْ أُجِبَّ نَفْسِي قَالَ يَا عُثْمَانُ (بُنْ مَطْعُونٍ) لَيْسَ مِنَّا مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِنَفْسِهِ وَلَا بِأَخِيذٍ إِنَّ وَجَاءَ أُمَّتِي الصِّيَامُ؛ از ما نیست کسی که این کار (حبس) را با خود یا دیگری انجام دهد؛ در صورتی که زهد امت من روزه است.» (تمیمی، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ص ۱۹۰؛ احسائی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ص ۲۹۲) سلمان فارسی در زهد، زبان زد است اما هیچ‌گاه برای آخرت، دنیایش را ترک نکرد. ایشان تا آخر عمر در میان مردم همانند افراد عادی زندگی کرد و در عین حال یکی از زاهدترین اشخاص زمانه خود بود.

یازده) بُخَل و رزوی

دسته‌ای دیگر از روایات، به معیشت خانوادگی افراد اشاره دارد و راهکارهایی را جهت زندگی مسالمت‌آمیز در کنار خانواده مطرح می‌نماید. در این روایات، افرادی که صفاتی نکوهیده همچون بُخَل و سخت‌گیری نسبت به خانواده با وجود وسعت مال در آن‌ها وجود دارد، از اهل-بیت نمی‌دانند. در روایت شریف نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمده است: «وَقَالَ ص لَيْسَ مِنَّا مَنْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ قَتَرَ عَلَى عِيَالِهِ؛ از مانیست کسی که خدا به او وسعت (مال) عطا نموده اما او بر خانواده‌اش سخت می‌گیرد.» (احسائی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۲۵۵)

الأَرْضُ فَإِنَّ سِيَاخَةَ أُمَّتِي الْمَسَاجِدُ قَالَ وَ هَمَمْتُ أَنْ أَحْرَمَ عَلَى نَفْسِي اللَّحْمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَفْعَلْ فَإِنِّي أَشْتَهِيهِ وَ أَكُلُهُ وَ لَوْ سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يُطْعِمَنِيهِ كُلَّ يَوْمٍ لَفَعَلْتُ فَقَالَ وَ هَمَمْتُ أَنْ أُجِبَّ نَفْسِي قَالَ يَا عُثْمَانُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِنَفْسِهِ وَ لَا بِأَخِيذٍ إِنَّ وَجَاءَ أُمَّتِي الصِّيَامُ قَالَ وَ هَمَمْتُ أَنْ أَحْرَمَ حَوْلَةَ عَلَى نَفْسِي يَعْنِي امْرَأَتَهُ قَالَ لَا تَفْعَلْ يَا عُثْمَانُ فَإِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ إِذَا اتَّخَذَ بِيَدِ زَوْجَتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَزْرًا وَ جَلَّ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ فَإِنَّ قَبْلَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ مِائَةَ سَيِّئَةٍ فَإِنَّ أَلَمَ بِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ حَضَرَتْهُمَا الْمَلَائِكَةُ وَ إِذَا اغْتَسَلَا لَمْ يَمُرُّ الْمَاءُ عَلَى شَعْرَةٍ مِنْ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُمَا حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُمَا سَيِّئَةً فَإِنَّ كَانَ ذَلِكَ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ انظُرُوا إِلَى عَبْدِي هَذَيْنِ اغْتَسَلَا فِي هَذِهِ اللَّيْلِ الْبَارِدَةِ عِلْمًا مِنْهُمَا أَنِّي رَبُّهُمَا أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ عَفَزْتُ لَهُمَا فَإِنَّ كَانَ لَهُمَا فِي وَقَعْتِهِمَا تِلْكَ وَ لَدَّ كَانَ لَهُمَا وَصِيْفًا فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ صَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِيَدِهِ عَلَى صَدْرِ عُثْمَانَ وَ قَالَ يَا عُثْمَانُ لَا تَرْغَبْ عَن سُنَّتِي فَإِنَّ مَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي عَرَضَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَصَرَفَتْ وَجْهَهُ عَن حَوْضِي (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ص ۱۹۰)

دوازده) هتک حرمت خانواده

در روایتی دیگر از نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فریفتن فردی علیه همسرش، به شدت نکوهش شده و فرد فریب‌کار از حوزه «منا أهل البيت» خارج شده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ حَبَّبَ امْرَأَةً رَجُلٍ عَلَيْهِ؛ از ما نیست کسی که همسر مردی را علیه شوهرش بفریبد.» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ص ۴۴۸) شبیه همین مضمون در روایتی دیگر از نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ حَبَّبَتْ امْرَأَةً رَجُلٍ مُسْلِمٍ عَلَيْهِ؛ از مانیت کسی که همسر مرد مسلمانی را نزدش پلید گرداند.» (اشعث کوفی، بی‌تا: ص ۱۰۴) در این دسته از روایات به روابط خانوادگی اشاره شده است که نشان می‌دهد سلمان در رفتار خانوادگی نیز از رذایل اخلاقی به دور بودند.

سیزده) سهل‌انگاری در برابر شرایع دینی

در بسیاری از روایات، از جمله روایتی^۳ از امام علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَام به تقید مسلمان به احکام شرعی تأکید ویژه شده است؛ و کسانی که در قبال انجام شرایع دینی کوتاهی می‌کنند، از حوزه «منا أهل البيت» خارج شده‌اند. «لَيْسَ مِنَّا مَنْ صَامَ قَبْلَ الرُّؤْيَةِ لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطَرَ قَبْلَ الرُّؤْيَةِ لِلرُّؤْيَةِ؛ از ما نیست کسی که قبل از رویت (هلال اول ماه رمضان) روزه (ماه رمضان) می‌گیرد و قبل از رویت (هلال اول ماه شوال) افطار می‌نماید. (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ص ۱۲۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۰، ص ۲۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۷ق: ص ۶۳) این روایت به عنوان نمونه اشاره دارد به اینکه کسی که تابع احکام شرعی نباشد از معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نیست و نشان می‌دهد جناب سلمان فارسی به طور کامل تابع احکام الهی و شرعی بوده‌اند.

چهارده) غفلت از انس با قرآن کریم

در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پیرامون ارتباط مسلمان با قرآن کریم آمده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرْآنِ؛ نیست از ما کسی که قرآن را با صدای زیبا نمی‌خواند.» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق:

۳- وَ رَوَى عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا ع يَقُولُ الصُّومُ لِلرُّؤْيَةِ وَ الْفِطْرُ لِلرُّؤْيَةِ وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ صَامَ قَبْلَ الرُّؤْيَةِ لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطَرَ قَبْلَ الرُّؤْيَةِ لِلرُّؤْيَةِ قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا تَرَى فِي صَوْمِ يَوْمِ الشُّكِّ فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لِأَنَّ أَصَوْمَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ شَعْبَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

ص ۲۷۹؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۲۷۳؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۷۶، ص ۲۵۵) علمای اسلامی در شرح این حدیث شریف، صرفاً به صدای زیبا بسنده نکرده‌اند و عبارت (لَمْ يَتَعَنَّ) در روایت را به معانی دیگری نیز تفسیر نموده‌اند. مانند این که مسلمان با داشتن قرآن کریم باید احساس بی نیازی نماید و با تلاوت آن لذت ببرد (سروی مازندرانی، ۱۳۸۲ق: ج ۱۱، ص ۲۶) این روایات نشان دهنده رابطه نزدیک جناب سلمان با قرآن کریم است که هم قرآن را با صدای نیکو تلاوت می فرمود و هم از قرآن بهره‌ای فراوان داشتند.

پانزده) سحر و پیشگویی

دسته‌ای از روایات به مذمت سحر، جادو و پیشگویی پرداخته‌اند و ساحر، جادوگر و پیشگو را از اهل بیت نمی‌دانند. از جمله آن‌ها، روایتی بلند^۴ از امام باقر ع است که در کتاب «الخرائج و الجرائح» (راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۶۰۵) نقل شده است. در قسمتی از این حدیث شریف آمده است: «لَيْسَ مِنَّا سَاحِرٌ وَلَا كَاهِنٌ» شبیه همین مضمون طی از نبی مکرم ص در کتاب «معجم المصطلحات»، با این مضمون نقل شده است: «لیس منا من تطیر أو تطیر له» (محمود عبد الرحمان، بی تا: ج ۲، ص ۴۴۳) این روایت، به کسی که فال بد می‌زند اشاره دارد، یا فال بد برای او می‌زنند (و او می‌پذیرد) و در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین ع آمده است: «لَيْسَ مِنِّي مَنْ تَكْهَنَ أَوْ تُكْهَنَ لَهُ أَوْ سَحَرَ أَوْ تُسَحَّرَ لَهُ الْخَبَرُ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۳، ص ۱۱۱) از این دسته روایات بر می‌آید که جناب سلمان از جادو و پیشگویی به دور است.

۴- ثُمَّ سِرْنَا حَتَّى إِذَا كَانَ وَقْتُ السَّحْرِ قَالَ لِي أَنْزِلْ يَا جَابِرُ فَنَزَلْتُ فَأَخَذْتُ بِخِطَامِ الْجَمَلِ وَ نَزَلَ فَتَنَحَّى يَمْنَهُ عَنِ الطَّرِيقِ ثُمَّ عَمَدَ إِلَى رَوْضَةٍ مِنَ الْأَرْضِ ذَاتِ رَمْلٍ فَأَقْبَلَ فَكَشَفَ الرَّمْلَ يَمْنَهُ وَ يَسْرَةً وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ اسْقِنَا وَ طَهِّرْنَا إِذْ بَدَأَ حَجْرٌ مُزْتَفِعٌ أبيضُ بَيْنَ الرَّمْلِ فَأَقْتَلَعَهُ فَنَبَحَ لَهُ عَيْنٌ مَاءٍ أبيضِ صَافٍ فَتَوَضَّأَ وَ شَرِبْنَا مِنْهُ ثُمَّ ارْتَحَلْنَا فَأَصْبَحْنَا دُونَ قَرْيَةٍ وَ نَحَلَّ فَعَمَدَ أَبُو جَعْفَرٍ إِلَى نَخْلَةٍ يَابِسَةٍ فِيهَا فِدَانٌ مِنْهَا وَ قَالَ أَيُّهَا النَّخْلَةُ أَطْعِمِينَا مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ فِيكَ فَلَقَدْ رَأَيْتُ النَّخْلَةَ تَنَحَّى حَتَّى جَعَلْنَا نَتَنَاوَلُ مِنْ ثَمَرِهَا وَ نَأْكُلُ وَ إِذَا أُعْرَابِي يَقُولُ مَا رَأَيْتُ سَاحِرًا كَالْيَوْمِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ يَا أُعْرَابِي لَا تُكْذِبَنَّ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا سَاحِرٌ وَلَا كَاهِنٌ وَ لَكِنَّا عُلمْنَا أَسْمَاءً مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى نَسْأَلُ بِهَا فَتُعْطَى وَ نَدْعُو فَتُجَابُ...

شانزده) بی‌اعتنایی به موضوع رجعت و متعه

گروه دیگری که از اهل بیت نیستند، افرادی هستند که به رجعت اهل بیت علیهم‌السلام ایمان ندارند، و حلال خداوند یعنی متعه را حرام شمرده‌اند. این مطلب از فرمایشات معصومین علیهم‌السلام قابل اثبات است. به‌عنوان نمونه در روایتی از امام صادق علیه‌السلام در «من لا یحضره الفقیه» آمده است: «قَالَ الصَّادِقُ ع لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا وَ يَسْتَجِلُّ مُتَعَنَّا؛ از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان ندارد و متعه را حلال نمی‌شمارد.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۴۵۸؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۰۰، ص ۳۲۰) طبق این روایات، می‌توان سلمان را از جمله افرادی شمرد که به رجعت معصومین علیهم‌السلام ایمان داشته است.

هفده) بی‌اعتنایی به نماز

۱. دسته‌ای از روایات، تأکید بر اقامه نماز شب دارند. از جمله در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ؛ از ما نیست کسی که نماز شب را به‌پا نمی‌دارد.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ص ۱۶۲؛ همو، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۳۲۹)
۲. در کتاب دعائم الإسلام طی روایتی بلند از امیر المؤمنین علیه‌السلام علاوه بر نماز شب، اقامه نماز صبح نیز مورد تأکید قرار گرفته است. قسمتی از این حدیث شریف به این شرح است: «لَيْسَ مِنِّي وَ لَا مِنْ شِيعَتِي مَنْ ضَيَعَ الْوُتْرَ أَوْ مَطَّلَ بِرُكُوعَتِي الْفَجْرِ» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۳۴۸)
۳. و در کتاب «تحریر الأحکام» در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاةِهِ لَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ» (حلی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۶) در این روایت، کسانی که نماز را سبک شمارند و یا شرب خمر کنند، از اهل بیت خارج می‌کند. از مجموع این دسته از روایات می‌توان اینگونه برداشت نمود که معصومین علیهم‌السلام فرموده‌اند: «ازمانیست کسی که نماز را سبک شمارد و نماز شب به‌پا ندارد و شرب خمر نماید.» نتیجه این روایات بیان‌گر آن است که جناب سلمان هرگز نماز را سبک نشمارده و شرب خمر نداشته است. در نتیجه «مناهل‌البیت» شده است.



هجده) شرب خمر

در کتاب «تحریر الأحكام» در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «لیس منی من شرب مسکرا لا یرد علی الحوض لا و الله» (همان: ج ۱، ص ۲۶) در این روایت، کسانی که شرب خمر کنند، از اهل بیت خارج می‌کند.

نوزده) تکذیب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در حین وفور نعمت

در کتاب مستدرک الوسائل روایتی^۵ از امام محمدباقر عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است که می‌فرماید: «از ما نیست کسی که هنگامی که (مقام دنیوی) بالا می‌رود و مردم به او بنگرند، شیطان به او امر کند و ما (معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) را تکذیب کند.» (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق: ج ۹، ص ۹۱) در طول تاریخ اسلام افرادی بودند که بر اثر همراهی با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا گرایش به دین مبین اسلام مقامات دنیوی کسب نمودند. اما غرور این مقام دنیوی باعث شد تا از حوزه اطاعت ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ خارج شوند و حتی به تکذیب ایشان بپردازند. اما جناب سلمان با بالا رفتن مقام دنیوی و معنوی از اطاعت معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ خارج نشد و همیشه به ولایت ایشان اذعان داشته است.

بیست) غفلت از پرهیزکاری

در کتاب اصول کافی روایتی آمده است که بیان می‌دارد: «لَيْسَ مِنَّا وَ لَا كِرَامَةً مَنْ كَانَ فِي مِصْرٍ فِيهِ مَائَةٌ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَ كَانَ فِي ذَلِكَ الْمِصْرِ أَحَدٌ أَوْزَعَ مِنْهُ؛ از ما نیست کسی که در شهرش فردی باشد که از او پرهیزکارتر است.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۷۸) این روایت بیان می‌نماید فردی که از اهل بیت است باید از همشهری‌های خود پرهیزکارتر باشد. از این رو به مقام والای جناب سلمان پی می‌بریم که ایشان از مردمان زمانه‌ی خود با تقواتر بوده‌اند.

۵- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع: أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ يَا ابْنَ النُّعْمَانِ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَرَأُلُ الشَّيْطَانُ يَدْخُلُ فِيْنَا مَنْ لَيْسَ مِنَّا وَ لَا مِنْ أَهْلِ دِينِنَا فَإِذَا رَفَعَهُ وَ نَظَرَ إِلَيْهِ النَّاسُ أَمْرُهُ الشَّيْطَانُ فَيَكْذِبُ عَلَيْنَا فَكَلَّمَا ذَهَبَ وَاحِدٌ جَاءَ آخَرُ إِلَى أَنْ قَالَ فَإِنَّ الْمُعِيزَةَ بِنِ سَعِيدٍ كَذَبَ عَلَيَّ أَبِي وَ أَذَاعَ سِرَّهُ فَأَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ وَ إِنَّ أَبَا الْخَطَّابِ كَذَبَ عَلَيَّ وَ أَذَاعَ سِرِّي فَأَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ الْخَبْرَ

بیست و یک) انحرافات فکری در اصول اعتقادی

تعدادی از روایات، به اصول اعتقادات اشاره دارند. از جمله روایتی از امام کاظم علیه السلام در کتاب الفصول المهمة که حضرت می‌فرماید: «انّه لیس منّا، من زعم ان الله جسم و نحن منه برآء فی الدنیا و الآخرة» (حرعاملی، ۱۴۱۸ ق: ج ۱، ص ۱۴۷) و روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام: «لیس منا من لم یؤمن بالقدر خیره و شره» (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۲، ص ۱۷۹) در این دو روایت، افرادی که دارای انحرافات فکری در اصول اعتقادات هستند، از دایره عضویت در اهل بیت علیهم السلام خارج شده‌اند و این مضمون را دنبال می‌کنند: «از ما نیست کسی که خداوند متعال را جسم می‌داند و به قضا و قدر در همه امور ایمان ندارد» در نتیجه طبق این روایات، مشخص می‌شود جناب سلمان از انحراف در اصول اعتقادات میزبان بوده است.

نتیجه

رسیدن به مقامات عالی‌به‌حدی که فرد در زمره «منا اهل البیت» قرار گیرد، برای هر فردی امکان‌پذیر نیست، مگر آن‌که با پرورش برخی ویژگی‌های مثبت اخلاقی در خود، و دوری از برخی رذایل، به این درجه برسد. سلمان فارسی از جمله افرادی است که بنابر احادیث متواتر، در زمره «منا اهل البیت» قرار گرفته است. با توجه به روایاتی از معصومین علیهم السلام که در حوزه «لیس منا اهل البیت» صادر شده و بر اساس این روایات، افرادی از زمره اهل بیت خارج شده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت سلمان فارسی متّصف به صفات پسندیده‌ای همچون: ولایت‌پذیری، دانش فراوان، تقوا، حسن خلق، صبر در برابر مصائب، اهتمام در برپایی شرایع دینی، احترام به هم‌نوع، اهتمام به فریضه مهمّ امر به معروف و نهی از منکر، وقوف به مقام فضل اهل البیت علیهم السلام، انس با قرآن کریم و ... بوده است که به درجه «منا اهل البیت» رسیده و سلمان محمدی نام گرفته است. از بررسی جامع این روایات، خانواده‌ی حدیثی شکل می‌گیرد تا با اتصاف به صفات پسندیده‌ای که در آن‌ها ذکر گردید و دوری از صفات ناپسندی که معصومین علیهم السلام ضمن بیان آن‌ها افرادی را که این صفات را در خود تقویت کرده‌اند، از زمره «اهل البیت» خارج نموده‌اند، می‌توان به درجه «منا اهل البیت» نزدیک شد.



کتابنامه

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (بی تا)، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، اول، قم: اسماعیلیان.
۲. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور، (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، ۳ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن اشعث کوفی، محمد بن محمد، (بی تا)، الجعفریات (الأشعثیات)، اول، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۵. همو، (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا عليه السلام، اول، تهران: نشر جهان.
۶. همو، (۱۳۹۷ق)، فضائل الأشهر الثلاثة، اول، قم: کتابفروشی داوری.
۷. همو، (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. همو، (۱۴۱۳ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۶ق)، مناقب آل أبی طالب عليهم السلام، اول، قم: چاپ علامه.
۱۰. ابن صالح مازندرانی، محمد بن احمد، (۱۳۸۲ش)، شرح الکافی، اول، تهران: المکتبه الإسلامیه.
۱۱. ابن طاووس حلی، رضی الدین علی، (۱۴۰۶ق)، فلاح السائل و نجاح المسائل، اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۲. ابن عطیه أندلسی، عبدالحق بن غالب، (بی تا)، المحرر الوجیز، قاهره: دارالفکر العربی.
۱۳. ابن فارس، احمد بن زکریا، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.

۲۹. زبیدی، محب الدین سید محمّد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، اول، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۳۰. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۷ق)، الفائق فی غریب الحدیث، اول، بیروت: دار الكتب العلمية.
۳۱. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد صلی الله علیهم، دوم، ایران: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
۳۲. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، اول، مشهد: نشر مرتضی.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، سوم، تهران: ناصر خسرو.
۳۴. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵) مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۳۵. طوسی، ابو جعفر محمّد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، الأمالی، اول، قم: دار الثقافة.
۳۶. همو، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۷. همو، (۱۴۰۷ق) تهذیب الأحكام، چهام، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۸. همو، (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، اول، بیروت: مؤسسة فقه الشيعة.
۳۹. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشيعة فی أحكام الشريعة، اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: دارالهجرة.
۴۱. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، الوافی، اول، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علیهم السلام.
۴۲. همو، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، دوم، تهران: مكتبة الصدر.
۴۳. قطب الدین راوندی، سعید بن عبد الله، (۱۴۰۹ق)، الخرائج و الجرائح، اول، قم: مؤسسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه).
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، الکافی، اول، تهران: دار الكتب الإسلامية؛ قم: دار الحديث للطباعة و النشر.
۴۵. ماوردی، علی بن محمّد، (بی تا) النکت و العیون، بیروت: دارالکتب العلمیه.

٤٦. مجلسى، محمد باقر، (١٤١٠ق)، بحار الأنوار، اول، بيروت: مؤسسة الطبع و النشر.
٤٧. همو، (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دوم، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٤٨. همو، (١٤٠٤ق) مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، دوم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
٤٩. محدث نورى، ميرزا حسين، (١٤٠٨ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، اول، بيروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام
٥٠. مفيد، محمد بن محمد، (١٤١٣ق)، الإختصاص، اول، ايران: المؤتمر العالمى لالفية الشيخ المفيد.
٥١. نجفى، محمد حسن، (١٤٠٤ق)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، هفتم، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٥٢. هلالى، سليم بن قيس، (١٤٠٥ق)، كتاب سليم بن قيس الهلالي، اول، ايران: الهادى.